جمع قرآن

تأليف: بروفسور جان برتون

ترجمه: دکتر محمد جواد اسکندرلو

پرسپس و نقد: محمد حسین محمدی

مدرس و پژوهشگر قرآنی (سطح 3 تفسیر حوزه معاصر استادیار)

چکیده

در این نوشته نخست متن The Collection of The Quran (John Burton) ذکر می‌شود. که اصل آن در دائرة المعارف قرآن لایدن چاپ شده است. وی در این مقاله به این نتیجه رسیده است که قرآن تحرف گرده و آبی از آن حذف شده
ترجمه مقاله جمع قرآن:

زندگی نامه جان برتون

برونور سیاپر انتقاد ادبیات غرب در دانشگاه ادنبروگ
و یکی از نویسنده‌های خاورشناسی
است که سال‌های دیروز در باره

tدوین و جمع قرآن (Collection of The Quran)

به تحقیق پرداخته و دانشگاه
کمبریج کتاب او را در سال 1972

چاپ کرده است.

او در این کتاب فرضیه‌های مربوط
به رویکرد تاریخ‌گذاری قرآن
ـ نیچاردبلر را رد و نظریه جدیدی
مطرح کرده است.

برون مقاله نسبتاً طولانی در
دائره المعارف قرآن لایدن در زمینه
جمع قرآن نوشته و نظرات را که
از نگاه یک متاثر می‌باشد، مطرح
کرده است.

در این نوشته بعد از ترجمه
کامل مقاله وی به نقد و بررسی
مهم‌ترین دیدگاه‌های جان برتون
می‌پردازد.

لازم به ذکر است که تحلیل‌ها و
نقدها بعد از ترجمه مقاله به صورت
پی‌نوشت ارائه گردیده است.
اصحاب فقهی و مصحت عثمانی

فقه اسلامی (رک، به مدخل فقه و قرآن) انجان که می‌توان فهمیده به گونه‌عمده از دو منبع فقه آمند، یکی از این منابع کتاب‌های انجانه که یکی از انجان‌های مخصوصاً به عنوان روابط درباره ساختن و کارهای نسلهای بیشتر مسلمانان تعیین شده است. این روابط نشان می‌دهد که در حدود دوازده قرن دوم هـ ساختن، همچنین به طور خاص، گرایش قواعد و اعمال پیامبر می‌باشد. این روابط از طریق صاحب‌النقلیه انجان منتقل شدند و تابع آنها به ما رسیده است.

در بخش صحیح از موضوعاتی که فقه احکام از آن‌ها می‌دهد، به مصحت عثمانی مذکور نیست و گمان می‌رود از سنت گیرفته شده باشد. و یا احکام دیگر فقهی در تعارض نیستند. احکام دیگر فقهی در تعارض با احکام قرار دارد و در مصحت ذکر شده‌اند. برخی از عالمان، منشاً این اختلافات را سنت و عناوین دیگری متأثر از برداشت‌های فقهی داشته‌اند و به این اطمینان رسیده‌اند که پیامبر به یوسف به‌خصوص آن‌ها می‌دهد.
طريق وحی الهی هدایت می‌شود.
(رک، به: مدخل وحی و الهام؛
"بیامران و نبوت") و این امر را مسلم گرفته‌اند که سووره‌ای از قرآن (با فرازهایی) زمانی در قرآن وحی و نازل شده‌اند، ولی از تمام مصاخب حذف گردیده‌اند.

به عنوان مثال، می‌توان یک توافق فقهی تقریباً اجماعی را در مورد اولین آیاتی یافت که در زمانی زنا نازل شدند (رک، به: مدخل فحشاء و زنا: نبی‌ها و کیفرزایان)
و کیفر کشیدن از طریق سنگسار را مطرح کردند، یک حکمی که نمی‌تواند با کیفری که در آیه دوم سووره نور توصیه شده است، سازگار باشد: "هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیمه بزند" این حکم فقهی سنگسار کردن از سوی برخی دیققه را گردید. چرا که در مصافح وجود نداشت (ماک: [م: ۱۷۹، ق. ۷۹۶ م]. موافق، کتاب الحدود)، اما اکثر فقهای این حکم را پذیرفتند. زیرا در فقه موروثی وجود داشت و چنین استدلال کردن که این مطلب گویای نسخ حکم مصافح با حکم...
پی‌خواهی که تو ای محمد فراموش نمایی (۳) (جان برترن، تفسیر؛ رک، به مدخل «نسخ»). آیه بن کعب (م: ۲۱، ق: ۲۴) (مکی) مده سورة الحدیث در ابتدا به اندیشه سورة بقهر بوده و ما ایه رحم را در سورة الحدیث تلاوت می‌کردیم. ایبوموسی اشعری (م: حدود ۴۲ هـ، ۶۶۳م) نقل نموده است: سورة الحدیث زمانی به اندیشه سورة بقهر بوده، اما من آن را به جز یک آیه فراموش کردیم. حذف اعلام کرد: ما امروز از سورة بقهر جز یک ربع آن را تلاوت نمی‌کنیم؛ در حالی که عاشیه دختر ایبیکر اظهار داشت: سورة الحدیث زمانی شامل دویست آیه بود (برترن، جمع قران، ص ۸۲ - ۸۳ سوابقی، اتقان، ۲۷۳) به بعد. سورة الحدیث در مصحف همکتی است و بنابراین سه آیه است. چنین گزارش‌هایی سببیاری افراد را متقاعد نمود که آن آیات و احکام هر دو به فراموشی سپرده شده‌اند. هر چه نوع حذف (مجموعی و جزئی) که شده است که همانگر مفاد مذکور در آیه ۱۰۶ سورة تحت حمایت قرار گیرد (رک، به: مدخل «زدواج و طلاق»). آیه ۲۳۴ سوره بقهر به ظاهر این دویرا به چهار ماه و ده شب کاهش داد، این حکم در قله مطرح گردید. این نتیجه بده است و به آنها ۲۳۴ نازل گردید. این آیه ۲۴۰ را نخ نماید. چند الفاظ هر دو آیه در مصحف موجود بودند (ظریف، تفسیر، ۲۲۶/ ۲۲۸ – ۲۳۰؛ ۵۳). این دو مورد که می‌شود به نشانگر حذف‌های جزئی از مصحف هستند. یکی از آنها حذف شده و دیگری در بردارنده نسخ حکم و بقاء آیه است. (رک، به مدخل «نشانه»).

موارد دیگری از حذف مشتمل بر حذف آیه و حکم با هم مطمنا می‌تواند به اظهارات تفسیری کهن درباره مفاد آیاتی بگردد که هنوز در مصحف هستند. مائده آیه ۶ و ۷ سوره اصلی: اما بردی قرآن را بر تو می‌خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد، مگر آنچه را خدا پی‌خواهی متعانی آن در نظر مفتنان چنین بود: «مگر آنچه را خدا
در حالی که فقه مدنی مسلمان
می‌داند که صحت و اعتبار حج
متفاوت بر انجام سعی است. وقتی
عروه به خلاقیت عادی‌اش از همسان
پیامبر علیه السلام مشروط نمود، از پاسخ
داد که دیدگاه عروه مستلزم قرآن
متفاوت است. یعنی در انجام ندادن
آن گناهی وجود ندارد، عادی‌اش
توضیح داد که حکم الزامی این
عمل از سنت گرفته شده، نه از قرآن
و این مطلب ابهام در آن را برطرف
كرده است.

الحالت مذکور و سایر عراقویها
tواقف در این داشتن که اعمال سعی
الزامی می‌باشد. یکی از مفسران
عراقویه منتقد، قرآن شخص
مجهولی را گزارش می‌دهد که با
قرآن مفسروی عادی‌اش یکسان است.
گرچه یا مقاومت شد که این عمل
سعی) واجب است؛ قرآن مزبور
را در آن گزارش رد نکرد. (زکدک
به، مدخل قرآن) به
او در مقام مقابسه با کوربرد
(استعمالات) قراری بیشتر این قرآن
را بدون رجحان می‌یابد. قرآن
مختلف، موضوع منفی مضاعف‌کردن

بقره هستند که عبارت از «نسی» یا
موجب فراموشی) می‌باشد (ما
نسخه من آیه» یا «نسخه» و سپس
آیهای بهتر یا مشابه آن جایگزین
شد است. (4)

مصاحبه صحابه

پس از رحلت پیامبر

بسیاری از اصحاب به مختصر شرکت
در امور اجرایی و اسلامی کردن
سرزمینهای نازه فتح شده بیرون از
حجار، متقاعد گشتند. اهلی شام و
عراق، همچنین عرب‌های مکه و مدینه
اباعبادت کرده که ما باید علمی خود را از
سنت دریافت کرده و نه داشته‌اند و
داشت قرآنی را از این صحابه
گرفته‌اند. (5)

منابع موجود نشان می‌دهد از نام
آنها در منازعاتی که بین گروه‌هایی
از عالمان آن منطق در مغفرت
استفاده می‌شد. مطابق ذیل، گویای
چنین توجهی است.

عروه در مورد حکم سعی میان
 صف و مروه متحترم بود. آیه‌ی
سوره بقره: «فِیْ نَجُوحٍۢ عِلَیْهِ اِنْ يَطْوَفُ بِهِمَّهَا» به ظاهر گویای اختیاری بودن
این عمل است یا یک دیدگاه عراقوی
به وجود می‌آورد، بنابراین همان‌طور که آیه دوازدهم سورة اعراف «ما متعکفاً آلت کوچکی پیش زمینه بدين ممناسه که چه زیباً را از انجام دادن آن بازداشت»، همچنین مفاد آیه ۱۵۸ سورهی بقره بی‌انست هیچ کسانی در انجام دادن سعی وجود دارد آنها حالاً می‌توانند قرآن دیگر را بپیدارند، بدین‌سانه حکم آن را قبل نماید زیرا قرآن دیگر به معنای همان قرآن مصور می‌باشد (فرآ، معاونی، ۹۵/۱، برخور، جمع، ۳۱/۱۲ – ۳۰).

یک قرن بعد حاکی از آن است که برخی از صحابه و تابعیان معنی‌دار بودند سعی عمیق اختراعی است. طریق (م: ۳۱۰ ه ق، ۹۳۳ م). می‌گوید که دیدگاه آنان اشکالا متین بر مصادر بن مسعود (م: حدود ۳۳ ق، ۶۳ م) و این عباس (م: حدود ۶ تا ۸ م ۶۸۶ م؛ طریق تفسیر، ۳۱ – ۳۴۱) بوده است. آن قرآن‌ها مختلف به صورت مختلف درون مصادر مختلفی است که برای مفسر جدید متعاقبی که در بالا از او پاداش به عنوان مسلمان فرض شد گرچه در
نمی‌وندیم گیگ مشتمل بر تفاسیر
متعارضی از یک کفاح معین (رک، به مدخل کفاح) می‌باشد. خمید و
مجاهد درحایل که طرف خانه خدا
مکردن با مزدی روبرو شدند یا، او
از مجاهد پرسید آیا ایام روزه به
عنوان کفاحی نقض یمی (رک، به
مدخل سوگندنا) باید به صورت
متواضع باشد. (رک، به: مدخل
روزه) خمید پاسخ داد این مطلب
اختباری است، اما مجاهد با نظر او
محافقت کرد و گفت: روزه باید به
صورت متواضع انجام پذیرد، چون
در قرائت آی: "فی صیام ثلاثة ایام
متابع، کلمه ای وجود دارد که به
صورت حقیقی ذکر شده است.

اگر این مسعود آیه 89 سوره
مانده یا به صورت "فی صیام ثلاثة ایام
متابع، قرائت نکرده باشد. به
حساب قرائت مربوط به مصحف
عثمانی "فی صیام ثلاثة ایام" براساس
دیدگاه غزائی از آنحا که تغییر قرائت
این مسعود از سوی همگان پذیرفته
شده، آن وازه جزئی از قرآن
نمی‌باشد. احتمالاً این مسعود این
پیام را به عنوان تفسیر خود بر
شرمده است و یا احتمالاً آن را از
آیه چهارم سوره مجادله برگرفته
است، چرا که قبی "متابعین"، البته
در سیاقی دیگر به کار رفته است.

ایبوجنیفه (م: ۱۵۰ ه. ق، ۷۳۷ م)
کسی که به علت قرآنی بودن این
کلمه اذعان نمود، دیدگاه این مسعود
را پذیرفت؛ البته به عنوان یک
حیدث، چون این موضوع دارد: تمام روزه‌های
که در قرات به عنوان واجب مطرح
شد، لازم است به صورت متواضع
انجام پذیرد (مما، صیام، ان‌دهری
الصیام). دیدگاه بسیار متاخرن
غزائی (م: ۵۵۰ ه. ق، ۱۱۱۱ م)، این
بود که لزومی ندارد این روزه به
صورت متواضع انجام پذیرد، حتی

یک عالم حنفی اسدلال نموده
است که اصل حذف یک وازه
قرآنی بدون هیچ گونه مفاد منفی
برای اعتبار مستمر حکم آن از طریق این نظامیه، می‌تواند مدد که روزه‌گزاری کافی داشته باشد، به صورت متوالی انجام یابد. براساس قرآن، عبادت به مسعود تعلیق، یکی از اجاق البیت و مدیران حداد (در مسجد امام) گزارش‌ها در باب جمع مصافح است. این اخلاقیات نسبت به امام با نقصان آن است و حاکی از تأکیداتی از سوی برخی مفسران دربارهٔ شورا، اعلى و شرایط و جایگاه فقه می‌باشد. تصخی‌ها محض از این گزارش‌ها را می‌توان این که چرا نمود: به دنبال رحلت پیامبر (ص) جنگهای داخلی درگرفت و زرهی (م: ۱۲۴ هـ، ق: ۴۴۱ م) گزارش می‌دهد که افرادی که حافظ بسیاری از سوره‌های قرآن بودند در این جنگها کشته شدند. آن سوره‌ها نوشتند شده بودند. نه جانشینان نایب‌البنا (تابوان) پیامبر (ص) آنها را گنجها دخیلی درگرفت و زرهی جنگهای داخلی درگرفت و زرهی مسجد امام این امر منطقی و بین‌رفت (7) این امر مسلمانان را و داشت که در پی جمع قرآن بپایند، لذا در دوران روزه‌گزاری ابوجعفر را به مراسم مسجد می‌توانست به عنوان مفید یا بشرمان آید.
کتاب‌نوشته‌های امام خمینی (ره) در مورد ایبوکر (سال‌های ۴۳۴ تا ۴۳۶ میلادی) آنها را روی صحنه‌هاي گرد آوردند. این کتاب‌هایی که شامل قسمت‌های زیادی از قرآن بودند، بی‌درند و محتوایی داشتند که با خود به گور برده دوید.

بن نسبت (م: ۵ ـ ۴۵ ه. ق. ۶۵۵ میلادی) می‌گوید که تماشای ندشت آنچه را پایان داده‌اند، اما سرانجام در پی درخواست‌های مصرف‌های ایبوکر و عمر که نگران مفقود شدن قسمت‌های زیادی از قرآن بودند، این کار را پذیرفتند. درکی نبین از یک سال که از رحلتهای پایانی گذشت، زید و وجود آن می‌آید را از حافظ و بیاداده‌های مردم جمع‌آوری نمود.

او به پایانی سودایی توهی را که نیز هیچ کس نبود ترد ایبوکری به‌دنلی (ابن حضرت، فتح، ۱۲۵۹ ـ ۹۴) پروتون، جمع، ص ۱۲۸ ـ ۱۱۹) همچنین گزارش شده است و دویگر قرآن را از مصوب اثباتی جمع‌آوری کردند که او این در نمایه و آنها می‌نوشتند (جغرافیا، استاد و مدارک، ص ۹ پروتون،
دستور داد قران باید جمع‌آوری گردد (جفری، همان، ص ۱۰۱)، بروت، جمع (ص ۱۲۰). در این مورد، حارث بن خزيمة آیهی مربوط به سورة توبة را به عمر ارائه نمود. همچنین گفته شده است که عمر پیش از رحلت پیامبر علی، علیه السلام، اجازه خواست آیهی رجم را در قران تبث کند، ولی این درخواست رد شد (بروتن، جمع، ص ۸۲، سوئیسی، انتقاد، ۲۷). علیه، گفت: آیهی رجم نازل شده بود، اما کسی که حافظ آن آیه و سایر آیات بودند، در جنگ کشته شدند (بروتن، جمع، ص ۱۲۱). در مراسم معرفی رسوم علیه علی، عنوان نخستین جانشین پیامبر علی، درباره قسمتهایی از قران که ظاهر نشدند، است (علیه سؤال کردند. آن حضرت توضیح داد که من سوء‌بیندی گردیده‌ایم که آن قسمها را تا پس از رحلت پیامبر علی به صورت علیه افسانه‌ها نخواهیم کرد. آن‌ها او برای اولین بار قران را جمع‌آوری نمود. علیه در حالی که مشغول...
پیروان مصطفی این سعید از پیروان مصطفی ابوموسی، حذیفه با حکم وقت مشورت نمود تا اقدامی فوری به عمل آورد (جفری، اسناد و مدارک، ص 214 برتو، جمع، ص 215). خود عثمان (در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵ ق. م.) از طریق مصادر مختلفی که در مدیتیر رخ داد، مورد جسارته قرار گرفت و بر آشکاری شد و به صحابه پیشنهاد داد که باید مرمز را براساس یک متن منسجم و پیگاه متحد نمود. «صحابه محدثان متن مسلم و قطعی برای مسلمانان بنیست تا آنان را متحد سازد» (جفری، اسناد و مدارک، ص 214 برتو، جمع، ص 215).

اگر یک بیگانه کسی بود که قرآن را روی اوراق چاپ کرده و نمود. پس از مرگ کسی که در جنگ کشته شدند، عثمان به تطبق و انتشار این صحیح‌ها پرداخت تا قرآنی یکسان را فراهم آورد. سپس دستور داد همه متن‌های دیگر قرآنی از بین بروند (جفری، اسناد و

یادداشتهای مربوط به خرج میداد، چنین ارزیابی می‌گردید که او می‌خواست تضعیف مجددی دهد. البته بر اینکه هیچ قسمی از آنچه که او می‌روانست جمع‌آوری کنند، مورد اطلاع‌رسانی قرار گرفته است.

اولین تاریخ مربوط به جمع نخست قرآن اهدافی را دنبال می‌کرد تا تضمین دوباره مشابهی را فراموش آورد. این مطلب با دکتر نود قسمتی از قرآن در اثر مرق حافظان، هیاهو و متعادل است، ولی تنها مهم‌ترین است که اولین جمع را به پس از رحلت پیامبر[۰۰] نسبت داده‌اند. برخی عالمان مسلمان علیه را برای مشارکت در قرآن ذکر نموده‌اند، اما هیچ شخصی‌ای که بر حسب پیامبر[۰۰] از اصل این عمل تردیدی نکرده‌اند.

مصطفی خسائی

هرچه گزارش‌های روایی چگونه می‌رود توضیحاتی بیشتری ارائه می‌دهد. پس از انتشاری مستندات در مورد جدایی
فرد مکی یا آبی، یک شخص مسلمان، اعلام فرمود: هر یک از قرآن‌ها شما صحیح است، قرآن به هفت و جهت نازل شده است، لذا طبق هر کدام که ساده‌تر است تلاوت نمایید (طبری، تفسیر، ۲۵/۱۹، ص ۱۹). مدارک: ص ۱۱۴تا ۱۸۶؛ برتون، جمع، ص ۱۴۱ (۸۹).

از آنجا که گزارش دارد، ابتکار عثمان، مخالف با مصافح صحابه سنتند، تلاش‌های انجام گرفت تا از مسئولیت آنها دفاع شود. مرهون نزد پیامبر(ص) شکوه برد و گفت: «این مسعود آبی از قرآن را به من تعلیم داد; زبد همان آبی را به من آموخت و آبی نیز همین کار را کرد، ولی قرآن آنها با یکدیگر متفاوت بود: قرآن کدام یک را باید اخذ تمامی؟ (طبری، تفسیر، ۱/۲۴). در این مورد، تلاوت که تلاوتی مختلفی پاسخهای متعددی دریافت نموده است. مانند: همان‌گونه که تعلیم داده شده، تلاوت کن!» (قرآن‌اتان همگی از اعتبار پیامبر برخوردارند) (طبری، تفسیر، ۲۷/۲۱، ۳۰ و ۳۲؛ اینها مکاتبه علی بن قرآن، اردبیل به شمار می‌رود) (طبری، تفسیر، ۴۴/۱ و ۳۳؛ این تلاوت تلاوت گاهی انجام پیامبر(ص) در مقام داوری درباره متنازعه مشابه بین عمر بن یک
مصحف عثمان نیامده، یا باید حذف گردد. حذفه ندا سر داد نکته همهی کار ما چیست؟ هیچ کس در این ایالت قرآن عبده الله بن سعود را رها نخواهد کرد، و در سرزمین یعنی هیچ کس دست از قرآن ایبوموسی برخواهد داشت (جفری، استاد و مدارک، ص ۳۲). آنچنان‌که نقل شده عبده الله بن سعود به حالت اعتراض گفت: «چگونه به من دستور می‌دهند خود را با قرآن زید سازگار نمایم، حال آنکه من هفتاد سوره را از همان لهیای پایام[۱۸۲] تلاوت کرده‌ام؟ آیا من از جمع قرآن باید محرم شوم و این کار به مردی سپرده شود که آن روز در صلب پدرش بوده در حالت که من در همان آگاهی ایبوموسی شدم؟» (جفری، استاد و مدارک ص ۱۵ و ۱۷). همواره مصحف ابن سعود در مقام دفاع از کار خود به روایتی از پایام[۱۸۲] استناد جسته‌ده: ۴۷ کسی که خواهد قرآن را به خالص ترین شکل تلاوت کند (آن‌گونه که نازل شده است)، باید قرآن عبده الله را بزرگ‌ترند (طیالسی، متن قرآن به معنای ادیبی دقیق تقلید ناپذیر است (رک، به مدخل تقلید ناپذیری)، می‌یابیم موافقت می‌شود که نقل از منابع (صاحب نظران) اولیه کاملاً دقیق بوده است. با ترک توجه‌های مرادف و لهجه‌ای یک استدلال عقیقی خاص ترجیح داده شد. براساس این تفسیر، عمر (یک تازه مسلمان) قرآن را در یک زمان اولیه (مقتده) حفظ کرده بود و هم‌وطن او (هشام) که پس از تحقیق مکه ایمان آوردی به دید، شاید اضافات بعدی بر قرآن را حفظ کرده که عمر در زمان تراز هنوز آنها را تشنیده بود (ابن حجر، فتح ۳۱۹).}

*اتناد مصحف*

گفته می‌شود که عثمان نسخه‌ای از مصحف خود را به مرکز مربوط به پایتخت فرضت، همراه با این دستور که هم‌قراطه‌ای دیگر باید باشد به سوزاندگانش بی‌گنگی داشته‌ای به نسخه‌ای به پایه رسید. ایبوموسی اعلام کرد هرچه در مصحف عثمان باشد و در مصحف من نیامده باشد آن را بی‌فرایق و آنچه در مصحف من باشد ویل در
روش‌ی‌تر می‌گردد. ابی‌خکر خطاب به زید اعلام کرد: 
تفریقی جوان و بناهوس هستی و ما درباری چنند وثافت چزری نمی‌دانیم. تو به پایامرب [۱۴۲] از طریق نگارش آیات وحیانی خدمت نمودای، بنابراین پیچور قرآن باش و آن را جمع‌آوری کن.


نسبت به اصل نسخ هنگامی که در مورد قرآن اطلاع می‌گردد، در ویژگی قابل ملاحظه‌ی می‌بایست: حذف‌های ادا از قرآن و حذف‌های ادا از مصونف علمایی.

حذف‌های مورد اخیر، در واقع همان قرآن‌های مختلفی‌اند که تلاش روایت کرده‌اند. قضاوت و مقایسه این هفت‌سانه می‌توانست براساس مردان درجات حفظ دقیق و نقل موثر (ثقیل) انجام چندید. شافعی (م: ۴۰۴ ه. ق. ۲۳۰ م) در صدد برآمد راه حلی برای کاهش همه اطلاعات صحابه اعمال نمایید؛ هنگامی که گزارش‌ها از روایت پایامرب 
در دسترس بود. گزارش‌ها (عقلها) از پایامرب [۱۴۵] تا سر حدّ تعارض ادامه یافت، آنها که شافعی نسبت به رسیدگی دقیق فهرست‌های مربوط به روایات با اعمال اصل نسخ تأکید وریزید. تعیین تدبری‌ی تاریخی به منظور ترجمه گزارشات از صحابه قدیمی‌تر تا جوان‌تر، امکان‌پذیر است. به طور کلی هر چا گزارش‌ها با هم تعارض می‌یابند، گزارش‌های متاخر باعث پذیرفتگی شوند. نسبت به نزاعی که بین عمر و هشام که قبلاً مطرح شد، اعمال این قاعده می‌تواند پیش‌بینی به عنوان ملاک داوری برای ترجمه در نظر گرفته شود. در همین راستا، مشارکت زید در هر مرحله از جمع قرآن،
جب چیزی از مصاحف صحابه موجود نبوده است. محققین با توجه به اینکه قرآن مصوب عثمانی و سارزان با معنی نیستند، مصاحف عثمانی و سارزان را قانون می‌دانند که مبتلا به نساییان شده‌اند. با این حال، اجماع تقریبی درباره حکم سنگسار کردن، عنوان مالک، و این است که افلاطون رجيم به هیچ یک از مصاحف صحابه نسبت داده نشده است. این می‌توان به نمود که چنین ایمانی از اضافات است که این شده در درون مصاحف متعلق در جر گردید.

در نمونه‌ای دیگری، آیه ۱۸۴ سوره بقره، بیماران و کسانی را که در ماه رمضان به مسافرت می‌روند تا در آن ایام روزه‌ای خود را نقض کنند، مجاز می‌سازد به همان تعداد ایامی که در آن ماه روزه نگرفته‌اند، در آیام دیگر روزه بگیرند. این حکم روزه‌ای قضا، مورد بحث و نزاع قرار گرفت. عاشره روابط می‌کند که آیه‌ای معتبر اساسا چنین نازل گردیده، یکبار از آیام شام بیشتر، به تعقیب این اتفاق ایجاد می‌شود. از تأویل آن شرعیات نخب، دیده و به توسط شاعر می‌رسد نخ سبک، است (سيوطي، الده المنشور، ۱۴۲/۱۹). در جای دیگر صیغه (م ۹۱) ه. ق. ۱۵۰۵ م توضیح میدهد: "هدف
مسعود، ج. (برک، ب). مصحف عثمانی مبادله (آیین، ب) را مدخل "سوره". هر یک از مصواتی سوره‌ها که برای این مصالحه فراهم می‌آمده، نه پایان مصوات با ترتیب عثمانی پایان گرفته افتباسات. کتابی می‌توانست صورت بپذیرد. هنگامی که عثمان به تنظیم صحیفه‌های ابی‌عمر خاکی از آن است که در سالهای پایانی عمر پیامبر، [۷۰۰–۷۵۰] که جبرئیل آیات نازل شده دو ساله‌ها شکر می‌خوریم. در ماه رمضان آخر دوباره این کار را انجام داد. فرض بر این بود که دست کم باشد ترتیب آیات در سوره‌ها را تعیین کرد باشد.

در هر صورت، هیچ اختلافی در مورد نظریه هر یک از سوره‌ها لیست نشد است. احتمالاً ترتیب خود سوره‌ها نیز در همان زمان معین شده است. البته انتظار داریم برخورد نیست. همه عثمانی مسلمان کهن بر این عقیده متفقند ادبیات عرب (برک، ب) مدخل "ادبیات وewan" و واجد سند معتبر را تصدیق نمایند. قرآن‌های صامت یا مصوتی می‌توانند از طریق تکیه‌گذاری ظاهری رسم الخط اصلی که ثابت باید مانند، معین گردد. با ارائه این محدودیت، این قرآن‌های مختلف مجاز، چهی بیش از افزوده بر ممنو متن مشترک به شمار نمی‌آیند. صرفاً در همان موارد نادر، زمینه مساعدی برای اختلاف‌نظر جدی وجود داشت. چنین موردی درباره قرآن آیه‌ای ششم سوره‌ی مانند مطرح شد؛ جایی که نیواده علائم سداول که این مشکل را به وجود آورد که آیا در طهارت شرعی واجب برای نماز، با باید مانند صورت و دستی شده شود یا مانند سر مسیح شوند (برک، ب) مدخل "طهارت شرعی؛ وضعش و وضع". هنگامی که تمسک به قرآن‌ات صحابه توپری که گردید. مصالح صحابه کم مطرح شدند، آن‌ها به ناچار متفاوت با مصحف عثمانی ذکر می‌شدند. چنین ادعا شد که ترتیب سوره‌ها در مصحف این
حجوم، متفاوتی از مصحف عثمان بودند. گزارش‌هایی قرار داده‌اند، که مصحف عبادت به مسعود نسبت به اوایل و آخرین سوره‌های را مستند به این دلیل می‌دانند که آن‌ها جزئی از قرآن نبودند. تحقیق قابل توجهی نسبت به مفاهیم این اقدام وجود دارد.

سرانجام، این نتیجه به دست آمد که باید باور به سفره‌ای کوتاه را به عنوان تعویض استفاده می‌کرد. ایله نسبت به عبادت الله این بود که آنها با پایه دعاهای خاص در مقابل آیات و حیاتی باشد. دیگران این گزارش‌ها را اشکارا رد کردند. بعنوان این روندهایی که به صحابه برگ پایام[۱] نسبت داده‌اند، کسی که نمی‌تواند به طور قابل تصوری در خانه و حیات و تربیت و تشکیک‌کردن را پذیرفته باشد. خود عبادت الله، اشکار هر قسمی از قرآن را ارتباط می‌دانست (طبري، تفسیر، ۱/۳۸). سرانجام این زنگ زنگ نشست، زیرا انسان به سادگی نمی‌تواند روایات دارای سند معتبر را رد کند. عبادت الله در اینجا بود که ایا به نظم کتابی مصحف هیچ ربطی به نظم سوره‌ها هنگام نزول ندارد. ترتیب آیات قرآن براساس تاریخ نزول صرفاً در مورد مباحث مربوط به نسخ دارای فایده می‌باشد در نتیجه آنان که زودتر نازل شدهاند، لازم است از آیات متأخرتر مبین شوند. گروه مشهور این است که علی[۲] مطالب مصحف خویش را به ترتیب نزول جمع کرده و یادداشت‌هایی را نیز در مورد نسخ افزوده است، ولی هیچ نسخ‌هایی از مصحف ای به محل خاصی مبین شده است (سیوی: الیگان). ۵۸۱. یک کتاب‌شناس مربوط به قرن چهارم هجری، هم میلادی ادعا نموده، تعدادی از مصاحبه‌ها بررسی کرده است که همه آنها منسوب به این مسعود بوده‌اند، اما حتی دو تا از آنها در ارتقاء با ترتیب سوره‌ها موافقت یکدیگر نبودند (این ندیده، فهرست، ص ۴۶). ذیل نظم قرآن در مصحف عبادت الله بن مسعود.

گفته شده است مصحف عبادت الله بن مسعود و آن‌ها هر دو به ناحیه
 صحیح در تصمیم خویش مبتنی بر درج این سوره‌ها در قرآن توجه شده بودند؟ از این دیدگاه آنان جلب نموند. چنین فرض شده بود که موسوم عبده‌آوانه از «کتاب الله» صرف مصحت بوده است؛ به عنوان احتمالاً گمان می‌کرد هدف از جمع قرآن جلوگیری از نسبت احتمالی و کاهش یا افزایش نداده خطراتی که در اربابیت با این سه مبانی (سوره‌ه) صورت نگرفت. این‌ها خیال مختصر بودند و هر کدام روزی پنج بار در ماه‌های یک‌مؤی نکرار می‌شد (سبوتی، إنفانت، 1/79 برتون، جمع، ص ۲۲۴ - ۲۲۱) که به مدخل «شکل‌ها یا قواعد نماز» گفته است مصحت این مشش بر دو سوره بود که در مصحت عمان موجود نبود. فرض مشاهده دیگر این بود که پاره‌ای از روند سالانه آیات و حی را یکبار با جریان مرور می‌کرد، ولی در سال آخر دوبار مرور کرد. قرآن‌های این مسعود همان وحی دوم بردن ترتیب، سوء تفاهم از را به انجا رساند. که این دو سوره در چاپ مجید قرآن ثبت کنند (برتون، جمع، ص۲۳۲۴).
زید آن مثناً با همگانان تعیین داده است. آن توضیح می‌دهد که
چرا ابروکر و عمر به زید اعتیاد کردن‌ها مصاحبه را گروهی
نامیدند و چرا عثمان کار فراهم
آوردن مصاحبه را به او امررد
(سی‌بی‌اف‌القاتن، ص 51).

نفسه جمع عثمان مختلف با
نفسه ای بی‌کاری ابروکر - عمر تعود.
اما با چنان متفاوت «مصاحبه
مختلف» مختلف بود (دالی، معینی،
ص 24، جمع، ص 146).
همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، تحقیق
سنّ سنت مشتمل بر نقل احادیث بود که
از صحابه روایت شده‌اند تا روایتی که از پیامبر[۶۷۳] روایت شده‌اند.
بدین‌گونه که صحابه جوانتر به
تدریج داده شدند تا آخر روایت
مربوط به دوران اخیر پیامبر[۶۷۴]
تصمیم گرفت. به مصاحبه گزارش
شده از صحابه امکان تکمیل چنین
نقلاً را نداشته‌اند. زیرا همی‌چنان
накоتوئ منسوب به پیامبر[۶۷۵] لیست
است. دلیل‌ها و سادهٔ است.
همی‌آن و حیاتی‌که رسماً و معتبر
از دو بررسی نهایی بیشمار میرود
(ابن حجر، فتح، ۳۷۹-۳۷۹).
دو دسته از احادیثی که عباد الله
بن مسعود و زید بی‌آنا سر و کار
داشتند، مربوط به سند مصاحبه
بود. یک دسته بر تاریخ اولیه اسلام
آوردن عثمان تأکید می‌ورزند و
ملاحظه مصاحبه او به طور قابل
توجهی مقدمات بر مصاحبه زید است.
دسته دوم در صد ناه ادعا
هستند که مصاحبه عباد الله
اراده‌های آخرین متن قرآن است.
به منظور مناسب ساختن شکل
اصلي این حديث دوم، هواداران
مصاحبه زید - عثمان بر این معتقد
تأکید می‌ورزند که زید به همان
بررسی نهایی قرآن گرویده است و
آنچه را که نسخ شده و آنچه را که
باقی مانده بود، فراگرفته است:
زید به آن بررسی نهایی دست
یافته است که در آن هر آنچه را
برداشت شده و هر آنچه را که بقای
مانده، آموخته است. این متن
نهایی بررسی شده و آن را
در محضر پیامبر[۶۷۴] خوانده است
تا یک بار دیگر کنترل نماید. سپس
«تفسیر قرآن، دوره‌ی قدیم و قرون میانی»: فهمه‌ی جزئی مطالعه قرآنی از طریق کشف و انتشار سبایی از آثار در باب ابعاد مختلف مصاحبه قرآنی با تأکید خاص بر ساختار ترکیب، زمان‌ی نبودی محتوی و بررسی تقریب فرانت ابایشی به اساسا تأکید بر قرآن متکرک‌گردد، به‌عنوان یک اثر ماندگار ادبی و تلاشهای سبایی از کارشناسان برجهته احتمالاً موجب پیدایش یک ویرایش عظیم‌النیبت به متن کامل قرآن‌خوان دریافت می‌شود. چنین طریقی در واقع در سال‌های اویلی قرن توسط برونکتراس و آن‌ها جغرافیا و دیگران طراحی شد و ایلی برای رسیدن به جهان دیده، عقیده ماند. در هر صورت، این طراحی احتمالی از طریق نسخه‌ی نشریه‌ی سلطنتی علی مصطفی به سال ۱۳۴۷ ه. ق. ۴-۱۳۴۷ م. به کونیه غیرضروری انجام گرفته بود. این مطلب نیز برای مسلمانان باید خاطره‌انگردد که قرآن هم مبناه قبیل نظر به لحاظ ادبی و قانونی است و هم اینکه این حجم ترکیب یافته از قرآن است که دیدگاه آنان را در..."
اروايتو ديكري لين در ارتباط با
ختم قران بيان و فضائلت آن از
پيامير اسلام ذكر گرديده است.

兀 طرف ديگر همه مسلمانان حافظ
قروآن نويدند و پيامير قروآن را از
روي ورطه خوانياندان و اگر قروآن
مدون نشد است، اين گروه چگونه
قروآن را ختم مي كردند؟

داستان ايمان آوردن عمرب در
این راهب قابل توجه است که مردي
از قريش به عمرب گفت: خواهرت
از دين برون رفت است؛ عمرب با
شيبدن اين كلام به خانه خواهرش
رفت و سپيلى به او زد كه صورتش
خراس برداشت. وقتي خشم و رو
نشست، نگاهش به صحيفه افاده
كه روی آن آيات آگارين سوره
طه و حديد تقسیب گردید. عمرب
بعد از دیدن اين آيات و درک
بلاغت آنها ايمان آورد. (ابن اثير
اسدلاله في معرفه الصحاياه، 6/45،
ابن سيد الناس، عيون الانتار، 1/159/2)

زمينه تاريخ آن معين نومده است.
(رک، به: مدخل «تاريخ متن قروآن»،
«تاريخ گذاري و قروآن»)

نقد و بروسي

1. معلوم نست منظور از
نافذتين مفسران و بيشر عالمان
در كلام گان برتون، چه كساني اند؟
در هر صورت، اين ادعا صحيح
به نظر نمي رسد. زيرا علمای اسلام
نقل كرده اند كه وقتی قروآن نال
مي گرديد، كتبانان و حي به دستور
پيامير آيات را بر روی اشيای
مختلف ييند مي كردند و اين كار
تا پايان وحي نيز ادامه داشت.

اگر منظور «جان برتون» اين است
كه قروآن در زمان حضرت اسماء
نوشته نشد، بر خلاف نقل است.
صحيح بخاري و دیگران چين نقل
كرده اند:

إن البني قد أمر عبدالله بن
عمرو بأن يختم القرآن في كل سبع
ليل مره.

ابن روایت در كتابهای روایی
(صحيح بخاري، 151-152، العلمي
الهندی، كنر العمال: 537 و
111/2: ابن الجزري، النشر في
بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد للهenqueue لأسوأه

اللهم اغفر لنا مرتين واجعل فتحنا فتحا وثبتنا في دينك فأنت أنت الحفظ.
به برخی از عالماً اهل سنت و شیعه پیرآند که تمام قرآن در عصر پیامبر مکی نوشته شد و در عصر ایوبیکر با عثمان سوره‌ها مرتب و به صورت یک کتاب (مصحف) در آمد. همچنین بعضی از عالماً اهل سنت مانند سعید و زکریای و از معاصران دکتر صحب săحتر ترتیب سوره‌ها را نیز توقیفی و به دستور پیامبرین دعوت‌الله و این خود دلیل است که قرآن در زمان پیامبر مکی کامل‌الله نوشته شده است.

یکی دیگری در صحیح خود آورده است که عادل بن ثابت می‌گوید:«من قرآن را از روی جهادی خرما و نخست سنگی از جمع آوری نمودم. و این افراد هم نگفته اند که قرآن هرگز تدوین نشده بود.»

۲- در قرآن، کریم حکم تخمینی و رجبی و زانی دریا می‌خواهند است و نه در آینه دوم سوره مارکه نور به‌نام (صد تازه‌ای) اشاره شده است و حکم رحم فقط در روایات آمده و مورد اجماع نیز می‌باشد، ولی «عمر بن الخطاب» نصری می‌گوید که آیه رجح در قرآن بوده و هنگام جمع آوری پیامبر مکی نبرد. (جغرایی قرآن)

مهم برامون قرآن کریم، ص ۴۷، ۴۸.

طرانتی و «این عساکر» نیز از شعیبی نقل کرده‌اند.

جمع القرآن على عهد رسول الله ص عهده مرضعه: آیه بن کعب، زید بن ثابت، معاذ بن جبل، ابولدرداء، سعد بن عبید، آبوزید (عبدالمالک، منتهب کنز العمال، ۴۸۸/۲).

روی فناده قال: سنات انس بن مالک، که جمع القرآن على عهد النبي ص عهده مرضعه: آیه بن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت، و آبوزید (همان، ص ۵۴).

پدیده سنتی کرد. است: از انس بن مالک، برسیمی چ کسانی قرآن را در زمان رسول الله ـ جمع آوری کرده‌اند. چهار نفر که همه آنها از انسار بودند: آیه بن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت، و آبوزید.
مطلبراقولدناشيندچراياويدنمراهینکردن؛درحالیکهدرآن
زمانقدرتهمدست"عمر"ود
دوستاناوبود؟!

اتفاقاپایدگفت:اینملتددلایل
برعدمتجزیه"قرآن"دارد،چون
بدوندلیلحربیرآکسیقبول
نمیکردنودچون"عمر"دلیل
وشاهدیبرادعایخدوناشاند،این
ملتددازپذیرفتهنشد.

نکتهدیگراینیکهخدونهایرجمی
که"عمر"ادعاهمیتودبهچند
صورتتقلگردهداست:
اول:"اذازینишخوالشیخه
فارجوموحاالبهتنکالامناللهوالله
عزیزحكم"

دوم:"اذازینишخوالشیخه
فارجوموحاالبهبنافیقمالذنیه"
سوم:"اینالشیخوالشیخهذازنیا
فارجوموحاالبه"(خوبی،البیاندر
تفسیرالقرآنص22).

بهنیااينعندمنیتوانبهتقل"عمر"
اطبیعآندربرفرضاکه"عمر"
اینجملاتراازپیامبرشنیده
باشد،ممكناستاوحدیدراراب
قرآن"اشتهایگرفتهباشد،زیرا"زید

از"قرآن"حرفشدهاست،لذادر
ثبتجمله"الشیخوالشیخهاذنزینا
فارجوموحاالبهتنکالامناللهوالله
عزیزحكم"بهعونانآهقرآن
اصرارمیکرد،ولی"ریزبنثبت"اذن
یادعایخدونشاند.

چگونه"چنانبرتون"ازملت
ثبتنشده،یکدلیلقطعیمسازد
وهمگیآهیرامگیبهسادگیاز
"قرآن"حرفشدهاست؟چگونه
میگید:حرفیپکامسلماز
صحفمستلزمهجوممتینی
برایاعتناهیشگیکیحكم
وحیاتینیست.

چگونهادعایاجماعکردهاست
کهحكمزنادرایلینآیاتزنین
سنگسارورحمیدوانازکجابت
شدهکحكمرحمدرایاتقرآن
بود؟ازکجاادعاکردهکاردشدن
حكمسنگسارازطرفبعضیفحها
بهاخاطرندونآندرقرآن
بودهاست؟

ازطرفدیگرمگقرآنبودناین
جملاتمسلمبودهاست؟این
ادعای"عمر"بودوآخردیگراناین
قرآن یزیقی خاورشناسان / شماره چهارم / بهار و تابستان ۱۳۸۷ ۱۸۵
قدرت خداوند و ارتباط همه چیز به منشیت و خواست امام مکارم شیرازی، تفسیر نیمه‌نیمه، ۲۶۴/۳۲۰.

۴، [جوان بروتی: از آیین بن کعب] پیروی‌الله، الاقصی، فی علوم القرآن، ۴۲۳؛ صاحب مسلم، مسندرجامد، ۱۲/۳۳۰۰، کتاب الزکو، ح، شماره ۱۷۴۰، حرفه‌بین زیبی (هناک) الاقصی، ا험ین القرآن، ۱/۴۱-۵۰ و... مطالبی نقل کرده که دلال بر تحریف و حذف بسیاری از آیات قران است و این روايات که در منابع یافته‌ام اهمیت زیادی داشته و آیاتی که دلالات بر مصونیت قران از تحریف می‌کند، منافات دارد و هر چه مختلف قران است، و علاوه این روايات بر روایات قطعی و متواتر که دلالت بر عدم تحریف قران دارد، منافات دارد (به معنای صیانت القرآن از تحریف). اگر در این روایات دقت شود، سنت بودن ادعای [جوان بروتی] روش خواهد شد، زیرا تعارضی که مانند آیه ۱۰۸ از سوره هود که فرامیاد کسی که سعیدترین گردند تا زمانی که آسان و زمین برقرار است، در هیچ‌یکی یا هیچ‌یکی بهشت باقی بمانند، مگر آنگاه که خدا بخواهد، و این امر مسلم است که آنها هیچ‌گاه از بهشت خارج نمی‌شوند ولی خداوند قدرت بر اخراج آنها را دارد و قدرت او محدود نخواهد شد. [طباطبایی، الميزان، ۲۶۶/۱۷۶۰].

آن است که مفهوم این تعبیر [الما] شاهد الله، این نست که پیامبر [۱] چیزی از آیات الهی را قرآن و/or آن از گفته‌اها سلب اطمینان خواهد شد، بلکه هدف بیان این حقیقت است که موهبت حفظ آیات الهی از سوی خداوند و لذا هر لحظه که خداوند می‌تواند آن را از پیامبر بگیرد و یا به تبعیز دیگر هدف بیان تجاوز علوم ذاتی خداوند و علم موعشي پیامبر است، مانند آیه ۱۰۸ از سوره هود که مسلم است بهشتیان هرگز از بهشت بیرون نمی‌روند، بنابر این جمله «الما» شاه ریک، اشاره به حاکمیت اراده و
در این روایات هست، خوددلیل بر کلام آنهاست.
5. جان برتون در باره مصاحف صحابه ادعای دارد: «پس از رحلت پیامبر اسلامی بسیاری از صحابه به مظاهر شرکت در امور اجتماعی و اسلامی کردن سرزمن‌هاشان تازه فتح شده بیرون از حجاز، متفرق شدند و اهلی «شام» و «عراق» مثل عرب‌های «مکه» و «مدينه» اعدام کردن که مایه علمی خود را از ست گرفته‌اند. مثلاً عروهه درباره حکم سهی صفا و مروه متحرک بود آیه ۱۵۸ بقره ظاهر آن پناهگاهی اختیاری بودند، این عمل است و طبری آورده که این دیدگاه مبتنی بر مصاحف «ابن سعید» و این عباسی، می‌باشد (طبری، تفسیر طبری، ۱۸۳ و ۲۲۱).
در پانزدهمی می‌گورد که چنین فهمی وجود وحی متفاوتی را ضروری می‌دانست. برای روشن شدن مطلب باید آیه مورد نظر مطرح و پیرامون آن بحث شود.
بعضی از مسلمانان به خاطر مشکلاتی که داشتند نتوانستند سعی «صفای» و «مروره» را انجام دهند. جهت قرار گرفتن آن ها در حرف و سخن قرار گرفتن. آهنونه مورد بحث نازل شد که برای سعی کند کننده مانع ندارد که سعی خود را انجام دهد؛ اگر چه به نهایی در آنجا قرار دادن، بنا بر آن تعبیر یکی منافاتی با وجود سعی ندارد (طبیعی، مجمع الیونان، ۲۴۰/۱ طباطبایی، المبیان، تفسیر القرآن، ۲۸۰–۲۸۸/۱) و اختلافات صحابه و یا دیگران.

هجیز نمودی در واقع نخواهد داد. اگر «عروه» جثی حرفی زده است، حتماً به شان نزول آیه توجه نکرده است و همچنین تحریر برای این بقای نمی‌ماند ولی نیازمند منین قرآن‌دیگری در این مورد باند. ۶. «جان برتو» ادا گرد که «گزارشها در باب جمع «محصوف» بیانگر اختلاف نسبت به اتمام یا نقض آن دارد... این ادعا که بعد از پیامبر کتاب جنگ‌های صورت گرفت و عده‌ای از حافظان قرآن شدند از نظر تاریخی صحیح و در مبانی متعددی...
نتیجه اینکه در قران کریم هیچ تحریفی انجام نشده و هیچ سوره‌ای از بین گرفته است. و کلام کسی که قائل به کم شدن سوره‌ها یا ایتاتی از قران هستند، باطل است و یا تاریخ و روايات سازگاری ندارد. و این مطلب است که با یافته‌های مستشرقان همخوانی است.

مستشرقان در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که

مستشرقان در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که

مستشرقان در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که

مستشرقان در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که

مستشرقان در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که

مستشرقان در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که

مستشرقان در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که

مستشرقان در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که از موارد دقت «زید» در جمع قران استفاده نمی‌شود که

مستشرقان در جمع قран
مناخ

1. فرن كريم، ترجمة مكارم شيرازي وترجمه